

سوز سینه !

ز سوز سینه ما سوخت آشیانه ما !
که باورش شود این کار ابلهانه ما !

رقیب در دل خود خنده می زند از شوق
چو رفت از کف ما سهل و ساده خانه ما !

فضای خانه پر از بانگ رود بود و سرود
که رعد حادثه پیچید در ترانه ما !

به قهر از بر ما رفت چون که صبح دمید
امید دلخوشی بزم عاشقانه ما !

به التماس گرفتیم دامنش لیکن
اثر نکرد در او گریه شبانه ما !

خدای را به کجا باید این شکایت برد
کز آه سینه ما سوخت آشیانه ما

رضا شاپوریان
سه شنبه ۲۱ آپریل ۱۹۹۸